

جای اداره کسما

میر - ملازمین کسما

ملک انعامت و مکاتیب

باید بعنوان ذیل باشد

مجلس

برای باز رسیدن به قریه

تندرستی شایسته

بیتکلام

بنا بر سبب تجدید طبعان ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوازم و طلا

خصوصی با دفتر اداره

مکاتیب بدون معصا

و عنوان پذیرفته شود

در شرکاء بعد از زنده رفتن

قیمت اشراک

یکار ۵۰ قران

این روزنامه فقط بکاتبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

- موقع گذشت -

آری موقع گذشت - وقت تلف شد - روزهای
گران بهای استناده در نتیجه خلقت - و اثر وقت
فاق - جنگ خانگی با ملت متحد - بسرت برق
و نظر زایل و اینک آخرین وقایع آنرا ابرار بینایم
در سال قبل - در موقعی که ایداد اقیانوس نامی امید
کو بکترین شعاع امید برای آینه ایران دید همیشه
بگفته دست غیبی در تعقیب در هم شکستن اساس جور
و بیژد اسپرطوری و کسب - اوقات پر قیمت
استفاده را برای پیش آورد - ما هم نظر بر این
موقع بودیم - همه از خند و حصول این وقت با آرزوی
میکردیم - اتفاقا این آرزوی ما اجابت رسید
آزادی با مالکهای سفید در فضای ایران طرز
آب شتابت کرد که باید کار کرد - اما در عوض ما چه کردیم
نه تنها حرف زدیم - بلکه تا آن موقع که دایره نفاق
محدود بود بنام دموکرات تشکیل و ضد شکل لغراض
خصوصی ابعراض ملل در آورده و در نتیجه نفاق در همه

جای ایران توسعه یافت - اتحاد متحد دوم شد - بازار
تحت و دروغ رواج بد کرد - در ایران همه وقت
و مکانی طمس جنوب دادند طهران ضبط کردند -
مانند کودک سرگرم بازی طفلان - ولی دشمن با انگلیس
از این مشغولیات کودکان ما استفاده های بزرگ کرد
با یکدیگر فخر میزدیم دشنام میگفتم - برای زهر آلودت
و کلمات دیگر که بجانب همه گیر پر ناب میکردیم اما او در دل
خود قاه قاه میخندید زیرا او نظریافته بود - آری اربابان
و آرزوی قلبی خود رسید بود
در عوض جدیت و سرعت عمل - به سخن سرانی صرف کار با
فوق العاده قناعت کردیم - مقالات اشین نوشتیم
رجز خوانی ما نمودیم - با لوازم و آرایشهای شدید و نتیجه
صفت جراید را مظهر ز و بخود اختصاص دادیم - فریاد ما
وطن پرستانه زدیم - اما فقط برای عوام فسر پی
زیرا آنچه بهمان احسانات دروغ بوده - و آنچه اشعالات
بی فسر و غ -
کم کم نطقهای متعسر لر دگر زدن و ستر بنا را در مجلس معونان

لندن - اظهارات عوام فریب ماسک در سربازانک
 در بارک سفارت طهران مواعید بوج و بی منفعتی را در آن
 امور انگلستان بجهت مدنی باره از اوراق سیاه
 وطن فروش قدری در اعمال موقوفی شدند که اوقت
 بر کوزه طمات که شکلی را با نهایت نخل و خون سردی
 بر خود هموار - و امنت سر حادثه جان گذازی با یک
 نظر لا بقدری نگریسته - و در راه بان امنت نداید
 این میان شکلات طبع جنوب - بکرمان - اصفهان
 تمدن خراسان - و با لاشه تا طهران توسعه
 یافت - قشون انگلیس در همه نقاط سرزیر شدند -
 قشود انگلیس رو بتراید - اولیای امور مرغوب شدند
 لکن از مایه هیچ حس و حرکتی ظاهر نشد زیرا اینها
 جزو مسائل عادی و روزمره شده بودند -
 اما باز انگلیس به بنیتد گفتا نمود حتی بدستگیری
 شاهزاده سلیمان میسر نمانیده طهران دلیدر
 ایرانیان مبادت کرده و موقوفی شدند - اوقت
 کاست تحمل بالبرزشد! خونهای کیف با عروق
 خشک و فشرده بچوش آمد - خطبای ملت حماسه های
 نفسی نمودند - جزایر با لحن شدید خود با این فجاج
 و نظام اعتراض کرده - بالآخره با مصیبتی شدیم -
 بعد از مدت غمخس برای اظهار شرف نسبت نظام انگلیس
 قنک دادیم - اما قنک شرم آور و قنک خجالت خیز
 آرمی خیلی شرم آور - زیرا قبل از وقوع این
 قنک بصدوری در اطراف آن میشس می بیند
 که حتی االی دور دست طهران گوشش بزنگ یک
 دفاع عمومی و خود را برای ک فاع بطور مسلح حاضر کرده
 بودند! - اما وقتی که قنک به انعقاد خود امنت

خوش را ظاهرا ساخت - و معلوم شد خط یک تقریب
 کردانی بسیار ساده است - نوراً دست ما
 مار لینگ آن بساط را بملفنی از لیره های انگلیس خریداری
 و خانه آنرا بوسیله یک کتوب اعلان کرد
 ازین شاه کار غریب هم موقوفی شدند که میزان
 و هرات و مرات عقل و کفایت ما را معلوم کنند
 آرمی مقصود این بود که ما فقط حرف زدیم
 اگر علاج و چاره هم اندیشیده و پیدا کردیم عمل نمودی
 در این صورت وقت گذشت - بوقع تلف شد - خود را
 با دستهای بی لیاقت خود اسیر قید در قیئت دانی
 انگلیس کردیم - زیرا اگر چه روسها ما را تا انداز
 مجال خود گذارند - لکن در اثر این بی عقلت و مسامحه
 کاری قشون انگلیس جای آنها را گرفته و سظالم آنها
 اینک تجدید میکند - در حالتی که ما هم بواسطه بی حسی
 بی تمتی قدرت و جرئت دم زدن نداریم - اکنون
 فقط بوجه سرانی مشغول - بر اوقات گذارند
 خوانی میکنیم!
 این است که یک چنین ملت قابل حق حیاتند
 یک قتی که فاقدر شد سیاسی شد طبعی تا لا و زنگ
 نخواهد بود! این اما ننگ گویم حوادث روز
 کرده زیرا آنگاه در تحت ظلم قوی تری واقع شد
 با نهایت خواری ترک قومیت قیمت نموده و بنا
 ابدی سوخ خواسیم یافت و ابد حق گله از مکرر
 نداریم - مگر همین محیط و همین جاسوس فاسد -
 انسان بسیار - علاج سس فراد این است
 عمل کو! همیشه تیم از طرفه کار مالیه
 ایران اشطام داخلی ایران

شماره ۳۱
 قیمن سیاست خط
 باید عملی شد ای نظر
 علماء - اشرف
 استقلال ایرار
 خوانان بیاید
 بیش ازین کرد
 غیرت - همت
 دفاکاری
 بقرار اطلاعانی که
 شده و احتمال قو
 اتحاد اسلام
 خطی داده اند که
 اگر چه اشخاص
 ما را از روی نظر
 کیفیت اتحاد
 بوده و کامی حکو
 انهم دادند که جمل
 قصد سوئی مذ است
 بطور انرا بر قصد
 اذمان ساده مذ
 شمت آمدن ما
 این شهره را از
 دلیل بگیرند باید فکر
 از االی بدعت
 با جلب نظر و تقویت

خود یک قسمت بزرگ را از دست برده است
 مظلوم کس نکلیس : و آسوده ساخته :-
 با این حال پس خیلی بی ناموسی و پشرفی است اگر کسی
 نسبت بانان اختارات نخراف داده و حسرتهای
 نامناسب ده و آنهارا بر شد دولت وقت صحرانی
 نماند :- و آنان عاری از هزلایش با تمامات
 بی اصل ملوت کرده ایشان را موسس ملوک بطوائفی
 قهر و ...

ایرانیان حاس اولادند و آگاه باشند این
 بیت محترم که مایک طینی پاک و نیتی صادقانه یک
 چنین قیام با شرفانه را در جهت خود قسار داده سینه
 های خود را برای سگ گوزنهای مخالفین آماده نموده
 اند چون مقصدی بر مقدس و بیار عالی دارند انتظار
 آگاهی و محمولات را بقدر ارزنی وقوع گذارند از
 تمت های دور حقیقت مغرضان بیوجی بر نزل بارگان
 خود راه نداده بلکه با غمی ثابت آنها فانا بر حرارت
 جدیت قنایت خود می آسرایند این اساس است
 مندم نشدنی خراب نکردنی چه غمی که خدا نورش
 بخشد بلف مقصدین خاموش خواهد شد در مشرف
 معاصد افراد دنیا نمانان کابلجیل لا کفر که
 العواصف چون جبال عظیم سرپا سینه بادای
 مخالف سیرزد این مطلب خوبی معلوم شده و اکثر قیون
 درک نمودند که میت اتحاد اسلام در ایران از
 نقطه نظر شخصی حزبی و لابیاتی با احدی عدوت
 ندارد و اولاد او مطه بودن قوای دولتی بر خود لازم
 دانسته که بر قیسی باشد اسلحه متبه نموده و برای
 خنثی نمودن آن آسوده شوند !

ثانیاً آنکه غیر از حفظ استقلال و تاقیت ایران و نظر
 اقدامات ملت و دولت و مساعدت بانها بسبب
 مقصد مخالفی نذارند چون اختلافات من اضراب
 فوق العاده با اساس ملت و دولت ایران صدره دارد
 آورده و بعضی بی ناموسیها هم که فصله خور و مستخدم جان
 هستند همین عنوان داخل در اضراب شده این است
 که بیت اتحاد اسلام غمهم اله نصر چنین نصیم گرفته اند که
 کسی بعنوان ضرب و دستبند خواهد با ایشان داخل مذکره
 شود و ایشان را با رتی و همدسته خود در شکنجه پذیرند
 و نظر باینکه بر ایشان حفظ استقلال ملک و قیاسان
 برای قطع دست اجانب پاک کردن کمک شیر خورشید
 است میگویند سراسر ایرانی که سابقه نگین نداشته داد
 طلب خدمت بملکت و محبت بانها بوده زود پذیرایی
 میکنند و مقام نجات خاک از دست بردارند و صیانت
 آن از تعذبات دشمنان با تمام اضراب و فرق ایران
 دست متفق و همراهند بنام ایرایت و هلاکت
 اشخاصیکه با غرامش شخصی با از عدم اطلاع بعضی نمره
 بر ضدین میت متحدس میمانند مخاطب ساخته میگوینم
 بدیند و آگاه باشند بدین چرایی که بدین معنی و جهت
 اجراء کلماتی روشن شده است آخرین وسیله نجات
 ایران است یعنی امروزه ملت و دولت ایران بنایت
 امید داری از اقدامات رفقا رانها باید داشته باشند
 و بزودی چنین درک نموده اگر این چرخ روشن نمیشد
 بدون شبهه تاریکی مظالم و تعذبات ساکنین خراب برده
 پس در شمال بدتر از جنوب جلو گرفته میشد فاتحه شمال
 هم خوانده شده بود اگر از مهوریت و قسار داد
 کابیان نزل در قفقازیه مطلع بشود و بفهمید چه روزی

برای ملت ایران
 ارانیه قفقاز میخواند
 و ثانیاً بوصول داد
 از طرف قزوین
 داده و در قفقاز
 برسد انصاف
 عودت ارانیه از
 و استقلال ایران
 خراب کن را در
 حتی و بی تعصبی
 باوری ایرانیا
 را تعدیس و همرا
 و برای منفعت
 حکم است که ابد
 نده و نخواهد شد
 اداره کرده اند که
 و طوری مردم گیار
 آنها را مشاهده
 جانان حاضر و آه
 ایران شده اند ولی
 چنین موقع خطرناکی
 را و از طرف کید
 استقلال خواهد
 و جلوگیری از تجاوز
 دل و زحمات خود
 و غیره برای حفظ
 یک متذکر زبادی

و شکر نشه برده از استجاب شد. دانشش هم بود است
 پس است ظلم و بیجانی قدری بخود ایند چه نخواهد
 ازین ملت فلک نرود. بی علم بدبخت که همه بدبختی آنها
 از مداخلات شماست چه در سخت است قلب کیف
 ستمکار شما ساکنین جزیره بریطانی چه در شمار بحال
 چون انداخته قمار توپهای سنگین آلمان که از شیخ
 آن ماسک خیانت کارانه خودتان ابرم کنار گذارده اید
 از این خفته بی بسام

پوششی از طمس کردن بنویسد

وضع مرکز - یا محیط اتریک

- فساد -

فصلی که سنگی عمومی فسر و نگه ستی و در نشست
 ویرانی افکار جماعت در مرکز دست بدست هم
 داده و سر در فرد مکان تصور عالی طمس آن را بطبع
 زمانه ادبی بخش در آورده و این مانجولیا از آلمان تجاوز
 نموده از لیدرهای اضراب هم گذشته که در مانع
 پاد و دنگردان سیاسی ترکز پیدا کرده است
 چون اسمی از لیدرهای اضراب برده شده لازم مید
 سوت اضراب را نیز معرفی کنم -

تقریباً از چهارده ماه قبل که طهران بی مانع وجود
 اضراب بر سر برده. اول حسنه بی سیل انگلیس
 عرض اندام نمود -

اگر چه آن حزب با بسته بن حمل و مفیدترین مال
 و بکلترین سابقه همواره نهضت های خود را ادامه
 داده بود ولی در این وقت نظریه کسبه های دیرینه
 که انگلیسی با آرزو و عملات کارکنان آن داشت

سعد و دی از کوه تا ه نظرسن همان حزب را در
 سایه نوید با و طبیعهای خود پرورانید.
 موقع تم ملکوت و خیال تشکیل و اجتماع حزب را
 قوت و عظمت داد
 این حزب هنوز عرض و جود نموده بود که منویانش
 اشکار گشت و طرف حسله اکثر افراد خود شد
 و همین جهت اقتدار است لازم که بتواند مطلقاً حیات
 سوا انگلیس را بموقع اجراء گذارد کسب نمود و
 اختلافات در آن حزب در بر و زور قوت گرفته
 و با نتیجه تشنت افکار تولید شد -

انگلیسیها در این وقت هم آن داشتند که افکار
 صالحه بر افکار فاسده اغفنا آن حزب اگر
 غالب آید نخواهند توانست موفق مسد - لذا با دست
 های فاسد تری سازش کرده و حزبی با اسم
 بسیار روی کار آوردند - چون این حزب
 از پنج شش نفر نتوانست تجا و زکند کفیز از فاسد
 ترین اشخاص که خود را بدروغ دموکرات مینامید
 مامور تشکیل حزبی با اسم کارگران که این ایام
 یک موسیالیستی آن لقب داده اند بودند

مخفی نباشد که چون مذکوره انتخابات مجلس در میان
 بود سرته حزب بطبع اشغال گری نایندگی جنبش
 درآمد در خانه در دو از ده نفر نماینده طهران
 اکثریت را دموکراتهای صالح و معارضین با تشکیل
 سابق الذکر بر بودند - در این وقت چون میاهوی
 انتخابات از میان رفت و کله خورده گی برای
 نظران حاصل شد.

دسته جات دیگری روی کار آوردند که همه

چون سباع کر
 این دسته جات
 اعتدال نامای
 ادکرات نامای
 عن الدوله
 دگرات نامای
 معدودی را بلهار
 مؤتمن الملک
 طر قدران صحابه
 یافت میشود
 شعاع تسلطه
 سلطنت اطرس
 مسالمت و محافظه
 گیلانی (دسته از)
 لفظه الدوله (دکرا
 جنوب و بغا
 اشخاص فوق الذکر
 از روی مکر که قطع
 مزا معتسرفی کرد
 ترازو همین نقطه نظر
 قسیر داده چنانچه
 د متحدین نمایند نقطه
 در مند وزارت
 اشخاصیکه اسرار
 حزبی بنام هیت
 حزبی بنام ناد
 اسم بردار میشود

چون سباع گرسنه حمله بلاشهای وزارت نمودند
 این دسته جات عبارت بودند از طرفداران سپهسالار
 (اعتدال نمایان برده) طرفداران وثوق الدوله -
 (دکرات نمایان خان انگلیس پرست) طرفداران
 عن الدوله (اعتدال نمایان برده) قاجاریه پوسیده
 دکرات نمایان خان طرفداران سعدالدوله
 معدودی آرا بلهان طرفداران مشرالدوله و
 مؤتمن الملک (دکرات و اعتدال سابق الذکر) -
 طرفداران مصمما (بوقلمونهای اجتماعی که در هر دسته
 یافت میشود و دکراتهای فوطور) طرفداران
 شعاع السلطنه (ساجان انجولهای جاه طلبی و همدار
 سلطنت) طرفداران علماء السلطنه (حامیان
 مسالمت و محافظه کاری) طرفداران سپهسالار
 کیانی (دسته از اشخاص مختلف العقیده) طرفداران
 نظریه الدوله (دکرات نمایان محمود حامیان طین
 جنوب و بغاوت باغرام) تقریباً شانزده از تمام
 اشخاص فوق الذکر هم طرفداران ... که خود را
 از روی فکر که فقط مخصوص بیابیت با هم دسته داد
 متراستسرنی کرده اند که متاخره طرفداری جنگل را
 نیز از همین نقطه نظر مال ایدشی شعار خود آنم در پرده
 قسرد داده چنانچه جانب داری از مهاجرین
 و متحدین نمایند فقط بنام مصالح شخصی انهم دام که
 در مند وزارت نیستند - علاوه بر اضراب و
 اشخاصیکه اسنان گذشت خربی بنام زان پرس
 خربی بنام بیت طهپه - خربی بنام ایران جوان
 خربی بنام نامد - خربی بنام مهاجر - و این رید
 اسم بردار میشود که عده همه اینها از سید نفیر

انتم در طهران تجاؤ نمیکند - !
 علاوه بر اینها جمعیتی هم بنام اتحاد ملی که مدعای
 ترین و نیکین ترین جماعت است از بر تحمین طهران و ولایات
 بوجود آمده است بالجمله در تمام اشخاص و دسته
 جات و احزاب سابق الذکر در همین نشست و تفرقه
 صورتاً و معنای داشته و بلکه بلا اراده زندگی میکنند
 مستقیماً و غیر مستقیم انگشت بند انگلیس حکم فرماست
 معنی نیکوست فکر میسید بدینگونه احزاب باشند
 دیگر با نداشتن آنکه مبادا از صورت و معنای اتحاد
 فکر صلحهای آنها که بی نهایت قده شان قلیل است
 استفاده کنند تفرقه و تشتت در انهای اندر تقسیمیکه
 هیچ اراده برای آنها باقی نمانده از هیچ حلیت نتیجه
 تخریقه و یاس با آنها مستولی شود
 در هیئت اضراب باندرزه کافی که بتوانید وضاع
 طهران را از دور بیسند سخن رانده و پیقندر
 که فی الجمله از مسلک و طرز روشش آنان بر صحبت
 بیان آوریم خواهیم دید دانست که در مرکز خبر نیست
 مسلک این احزاب جلب منفعت است بعنوان
 ضرب و وسیله آن را هم تخریب با اشغال ادارات
 دانسته معدودی هم بقوه کار سازی رفقای
 ادارات خود در تجارتهای عمده اوراق و غیره
 مسامی بکار برده و نتایج عمده هم گرفتند اند
 حال تصور فرمائید یکدسته از دسته جات گذشته
 روی کار باشند بایر دسته جات و احزاب
 بر میگردد - و آنها در قبال دسته زمانه از مشغول
 به تخریبات هستند و یک کابینه بدبخت و با
 خوش بخت که روی کار باشد همانند

در اد
 بر
 منویاتش
 خود شد
 مطلقاً حیالاً
 نبود و
 گرفته
 افکار
 ب اگر
 لذت اباد
 با هم
 ن خرب
 از فاسد
 ت نیامید
 بن ایام
 ند
 در میان
 کن جنبش
 ره طهران
 با تشکیل
 من میا هوی
 برای
 که ب

طرف حلر کسره واقع میشود معلوم است
 چون وقت کابینه بدفاع از خود تلف میشود وضع ادارات
 چه صورتی بخود گرفته و آنچه در وجه پریشان خواهد شد
 از یک طرف هم چنانچه گفتیم آوردن و بردن کابینه
 دادن و ندادن پول تنظیم و عدم تنظیم دوا
 هم که در دست انگلیس است پس
 در اینصورت با فقر عمومی که قبلاً ذکر شد و با آنکه
 سال گذشته محصول تعبیر نمی داشت و ادارات
 در دست ساد و جراحی مخصوصاً دوا برای مملو از آرنجی
 انگلیس بود و واضح است که حال ارزاق عمومی صحت
 و سلامت شهر بجهت عالی گرفتار و مبتلا بکدامین
 مصائب میشود!

مستداران و سرفه سکناس های بانک و گرفتاری
 چند تن از تجار نیز در کار بوده و بندت طرفداران
 اینست هم در کار هستند در سربزرگند و در هر فصل
 بر کسی علاج این در دوا را انقلاب میدهند
 انگلیسها و طسرا ن آنچه میخواهند بین مائمه القا
 میکنند و از آنچه که بین مائمه بوجود میاید توسط
 ایادی خود استفاده میکنند من جمله میخواهند
 کابینه ستونی ابر دارند و در اینفتاش اداشته
 و بعضی دیگر را هم هم چنین

انکار و زمینند با تشوینات و تبلیغات حاضر
 که در دست افتاش شدت داده و شهرت
 دادند که روز چهارشنبه دوازدهم در
 انقلاب شروع خواهد شد و در پنجمین سیزدهم در
 سلام کابینه ستونی استفاده داده قبول شد
 میباشند یا زود هم بکده سخته شاگرد و مای مطبوع

طوری

روشنانی (مال مدیر رعد) بازار ما ریخته
 میخواهند و کاکین را غارت کنند همه از ترس
 بشد مسجد شاه رفتند امام جمعه های طسرا ن
 و امام جمعه خوبی که میگویند توسط آنها بیست و چهار
 تومان پول برای بعضی سردسته با و صاحب
 منصبان اینته تخصیص شده حضور بهم رسانیدند
 و بعضی اشخاص مجهول التویه بمنزله نطقهای مختلف
 ایراد کردند و طرف عصر مصصام اسطه مسجد آمده
 و سمت خود را برای تشکیل کابینه اسلان نموده
 در روز مزبور نظم شهر بجهت اشتراق و آران
 تحمل گردیده دستهای قزاق در بازار و خیابان
 بحال و بیت نظام در جلوه بودند روز دوم از آنها و
 ژاندرمری شهر را از غارت و چپاولی حفاظت و
 حصانت میکردند و امروز دو شبانه بخندیم باشد خوب
 اعلانیکه از طرف کارگران منتشر شده و کاکین فی ظلم
 باز و مدینه سوادانی از زراق هم از طرف
 رئیس الوزرا مصصام اسطه داده شد درین
 شورش در دوره برای نمونه از تمام دستجات
 و طرفدارانیکه در بالا ذکر شد اشخاص وجود
 داشته اند بحال میتوانی ز بهوت شورشیان
 و ابیت این شورش انقلاب مجامعنی مطالبه
 این مختصر مستحضر شوید!!!

تقریظ -

مجله شریار بنا که یکی از بهترین مجلات ادبی و
 اخلاقی است از انق مطالبات ایران شعشانه
 ظهور نموده طلوع این مجله درخشان را تبریک گفته
 موفقیت مدیر و کارکنانش را از خداوند ثنا میکنیم